

حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه

در این درس ابتدا با شکل‌گیری سلسله‌ی قاجار و سپس با جنگ‌های ایران و روس و پیامدهای آن آشنا می‌شوید. تداوم تلاش‌های استعمارگران، و جنگ هرات، از دیگر موضوع‌های این درس است. «معاهده‌ی ارزنه‌الروم» بحث پایانی این درس را تشکیل می‌دهد.

بنیاد سلسله‌ی قاجار

ایل قاجار^۱ مانند سایر ایل‌ها و عشایر بزرگ ایران، یکی از عوامل مؤثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به شمار می‌آید. این ایل از ترکمانان بود و در زمان مغولان به ایران کوچ کرد. به هنگام تشکیل سلسله‌ی صفوی توسط شاه اسماعیل، ایل قاجار در شمار ایل‌هایی بود که به یاری او پرداخت و بعدها در جرگه‌ی قزلباش‌ها درآمد.^۲

پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار میانه‌ی خوبی با قاجاریان نداشت. زیرا آنان مدافع حکومت قبلی یعنی حکومت صفوی بودند. پس از مرگ نادرشاه، قاجارها، مانند دیگر ایلات کوشیدند قدرت را در ایران به دست بگیرند. اما رهبر قاجارها یعنی، محمدحسن خان، جان خود را بر سر دست‌یابی به قدرت، از دست داد، و فرزندش، آقامحمدخان، به اسارت کریم‌خان زند درآمد و حکومت به خاندان زند منتقل شد.

با مرگ کریم‌خان زند، آقامحمدخان از دربار او گریخت، و سرانجام با غلبه بر لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، حکومت را در کشور به دست گرفت.

۱- واژه قاجار برگرفته از واژه‌ی ترکی قاج یا قاج (کاج) است که از مصدر قاجمک (گیتمک) به معنی فرار کردن می‌باشد و پسوند «ار» نشانه اسم فاعلی آن است. بنابراین واژه (قاج + ار) به معنی کسی که فرار می‌کند، یا کسی که در کوهستان می‌دود و نیز مرد دونده و به عبارت روشن‌تر مردی که تند می‌دود، آمده است.

۲- در جنگ با عثمانی‌ها نیز، شاه اسماعیل از یاری قاجارها بهره جست. ر. ک. به: نفیسی، «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در

دوره‌ی معاصر»، ج ۱، ص ۲۸.



آقا محمدخان مؤسس حکومت قاجاریه

به این ترتیب، آقا محمدخان توانست سلسله‌ی قاجار را در ایران بنیاد نهد. وی تهران را که در آن زمان روستایی در حومه‌ی ری بود به پایتختی برگزید. این سلسله از سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ش. یعنی قریب صد و سی سال، بر ایران فرمانروایی کرد.

تلاش برای اعاده‌ی حاکمیت ایران بر قفقاز

قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران درگیر رقابت‌های دولت‌های اروپایی شده بود. کاترین کبیر امپراتریس روسیه و جانشینان او می‌خواستند بر گرجستان که تحت حاکمیت مسیحیان بود و خان‌نشین‌های قفقاز که تحت کنترل مسلمانان بود، استیلای کامل خود را برقرار سازند. درحالی که این‌ها سرزمین‌هایی بودند که زمانی تحت حاکمیت صفویه قرار داشت و آقا محمدخان و قاجار به مدعی آن بود. وی برای اعمال حاکمیت دوباره بر ایالت‌های شروان و گرجستان که در دوران زند به زیر سلطه‌ی روس‌ها رفته بودند، دست به تلاش‌هایی زد. یکی از موفقیت‌های وی، بازپس‌گیری شهر تفلیس از دست روس‌ها، در سال ۱۱۷۴ ش. بود.^۱ اما بعداً در لشکرکشی به قفقاز، توسط عده‌ای از همراهانش به قتل رسید.^۲

هجوم سیاسی — نظامی استعمارگران اروپایی به ایران

الف) جنگ‌های ایران و روس: قتل آقا محمدخان در قفقاز، موجب بروز هرج و مرج در نیروی نظامی ایران شد. فتحعلی‌شاه برادرزاده‌ی او در شرایطی به سلطنت رسید که روسیه با حمله‌های پی‌درپی، ابتدا گرجستان و سپس ایالت‌های دیگر را مورد تاخت و تاز قرار داد، و باعث بروز دوره‌ی اول

۱- آصف، رستم‌التواریخ، ص ۴۲۳؛ کدی، ایران دوران قاجار، ص ۳۹-۴۱.

۲- در سال ۱۱۷۶ ش. ۱۲۱۲ ق.



فتحعلی شاه، دومین پادشاه قاجاریه

جنگ‌های ایران و روس شد. این جنگ‌ها از سال ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۱ ش. به درازا کشید، و به بسته شدن «عهدنامه‌ی گلستان»^۱ انجامید. به موجب این عهدنامه، ایران حاکمیت روسیه را بر ولایت‌هایی که تا آن زمان اشغال کرده بود به رسمیت شناخت. به این ترتیب ایالات داغستان و گرجستان و شهرهای باکو، دربند، شیروان، قره‌باغ، شگی، گنجه، موقان و قسمت بالای طالش، به روسیه واگذار شد. به علاوه، حق کشتی‌رانی در دریای خزر، از ایران سلب گردید، در برابر، روسیه نیابت سلطنت عباس میرزا را در ایران به رسمیت شناخت و رساندن او به سلطنت را تعهد کرد. این بند که ظاهراً امتیازی برای ایران به

۱- چون این معاهده در روستای گلستان از توابع قره‌باغ نوشته شد، به این نام مشهور گردید.



قلمرو ایران (در اوایل قاجاریه)

حساب می‌آمد، در واقع به منزله‌ی نادیده گرفتن استقلال کشور و به رسمیت شناختن دخالت روسیه در امور داخلی آن بود.

در این جنگ‌ها، علمایی هم‌چون آیت‌الله شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و آیت‌الله سید محمد مجاهد، که مقیم عتبات عالیات بودند، و ملا احمد نراقی و برخی از علمای ایران، فتوای جهاد علیه روس‌ها دادند، و بعضی از آن‌ها خود نیز در جبهه‌های جنگ شرکت کردند. این امر موجب شد که مردم ایران و حتی شهرهای نجف و کربلا، مشتاقانه در مناطق اشغالی به مقابله با روس‌ها پردازند و جلو پیشروی آنان را بگیرند.

عباس میرزا در این جنگ‌ها از خود شجاعت و کاردانی زیادی نشان داد. اما متأسفانه، به سبب ضعف و غفلت فتحعلی‌شاه و دربارش و خیانت انگلستان به ایران، سرانجام این دوره از جنگ‌ها، به

نفع دولت روسیه و زبان مردم ایران خاتمه یافت.^۱

بدرفتاری روس‌ها با ساکنان ولایت‌هایی که طبق معاهده‌ی گلستان به آن کشور واگذار شده بود، موجب نارضایتی این مردم شد؛ و آنان شروع به دادخواهی کردند. از سوی دیگر، معاهده‌ی گلستان در مورد تعیین خط‌های مرزی بین ایران و روسیه، مبهم بود. همین مسأله نیز، موجب دست‌درآزی روس‌ها به خاک ایران، از جمله اراضی اطراف ایروان و آذربایجان شد.

این عوامل سبب بروز جنگ‌های دوم ایران و روس، طی سال‌های ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش. شد. در ابتدا، در اثر فتوای علمایی هم چون آیت‌الله سیدمحمد هاشم مجاهد، مردم مسلمان، مشتاقانه وارد جنگ با روس‌ها شدند، و عباس میرزا موفق شد مناطق بسیاری را از دست دشمن آزاد کند. اما بار دیگر خیانت دولت انگلستان و بی‌کفایتی دربار ایران، سرنوشت جنگ را به نفع دولت روسیه تزاری رقم زد. این دوره از جنگ‌ها، با بسته شدن قرارداد ننگین دیگری به نام «ترکمانچای» خاتمه یافت. مطابق این معاهده، علاوه بر سرزمین‌هایی که در عهد نامه‌ی گلستان به روس‌ها واگذار شده بود، ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت؛ ایران متعهد به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت به روسیه شد. هم‌چنین، برقراری حق کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی، بر ایران تحمیل گردید. به موجب این حق، هرگاه اتباع روسی مقیم ایران مرتکب جرمی می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق رسیدگی نداشتند، بلکه مراجع قضایی دولت روسیه می‌بایست به آن جرم رسیدگی می‌کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا روس‌ها خواستار اجرای کاپیتولاسیون در ایران شدند؟

ب) ایران در دام رقابت و توسعه‌طلبی فرانسه و انگلستان: علاوه بر روس‌ها که توسعه‌طلبی و منفعت‌خواهی آنان سبب تحمیل جنگ‌های زیانبار بر ایران شد، دو دولت فرانسه و انگلیس نیز در جهت کسب منافع خود در ایران، با یکدیگر به رقابت پرداختند.

ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، که از حمله مستقیم به انگلستان ناتوان بود،^۲ قصد داشت با تصرف مستعمره‌های انگلیس، این کشور را شکست دهد. مهم‌ترین مستعمره‌ی انگلیس، هندوستان بود؛

۱- ضعف دستگاه اداری کشور نیز در این شکست‌ها تأثیر داشت. زیرا در آن زمان، بار اصلی جنگ با روس‌ها بر دوش چهار ایالت شمالی ایران بود.

۲- چون انگلستان یک جزیره و دارای نیروهای دریایی قوی بود، قدرت دفع هرگونه تهاجم دریایی را داشت.



نابلیون بناپارت

که دسترسی به آن، از راه ایران امکان پذیر بود. به این منظور، ناپلئون قرارداد «فین کن اشتاین»^۱ را با ایران بست. براساس این معاهده، فرانسه متعهد شد که ایران را در جنگ با روسیه کمک کند. در مقابل، ایران برای حمله به متصرفات انگلستان در هند، با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار متحد شود، و به انگلستان، اعلان جنگ دهد. همچنین، در صورتی که تصمیم ناپلئون بر لشکرکشی به هندوستان قرار گیرد، اجازه‌ی عبور لشکر او از ایران، به آن کشور داده شود.

از آن جا که همه‌ی استعمارگران به دنبال منافع، و نه دوستی دائمی با ایران بودند، پس از آن

که ناپلئون با تزار روس عهدنامه‌ی «تیلسیت»^۲ را بست، تعهدهای خود نسبت به ایران را زیر پا گذاشت؛ و دربار ایران که از حمایت فرانسه ناامید شده بود، به انگلستان روی آورد.

انگلستان ایران را سدّ محکمی در برابر تهاجم به مستعمره‌های خود در هندوستان می‌دانست، و علاقه‌مند بود که در دربار ایران نفوذ کند. دولت ایران، با امضای توافق‌نامه‌ای با انگلستان در سال ۱۱۸۷ ش، کوشید که حمایت این کشور را جلب کند. به موجب این توافق‌نامه که به عهدنامه‌ی «مجمل» مشهور است، انگلستان تعهد کرد که هرگاه نیروی نظامی دولت‌های اروپایی به ایران حمله کنند، نیروی نظامی در اختیار ایران قرار دهد، و یا در عوض آن، به دولت ایران کمک مالی کند.

در سال ۱۱۹۰ ش، پس از پیروزی روس‌ها در مرحله‌ی اول جنگ، انگلستان معاهده‌ای با ایران منعقد کرد که به عهدنامه‌ی «مفصل» معروف شد. این عهدنامه در سال ۱۱۹۲ ش. به امضای فتحعلی‌شاه رسید؛ و مفاد آن به گونه‌ای بود که استقلال ایران را بر باد می‌داد.

برخی از تعهدهای ایران در این عهدنامه عبارت بودند از:

- ۱- قبول حکمیت نماینده‌ی انگلیس در اختلاف‌های مرزی خود با روسیه
- ۲- خودداری از بستن قرارداد با روسیه یا هر دولت سومی که دشمن انگلیس باشد.

۱- Finkeneshtien

۲- Tilsit

۳- استخدام نکردن افسر و افراد نظامی برای آموزش سپاه ایران، از کشورهایی که با انگلستان روابط دوستانه ندارند.

در برابر، انگلیس به تعهدات مبهم و بیش‌آمدهای احتمالی ملزم شد. برای مثال:

۱- اگر دولت ثالثی به خاک ایران تعرض کند، انگلستان حتی‌المقدور از کمک و مساعدت به ایران خودداری نکند.

۲- انگلستان از کمک به سرکشان و شاهزادگانی که علیه تاج و تخت پادشاه قاجار قیام کنند، خودداری کند.

انگلستان نیز مانند فرانسه، در مقابل سازشی که با روسیه انجام داد، به تعهدات خود عمل نکرد. این کشور نه تنها روابطی دوستانه با ایران برقرار نکرد، بلکه به منظور جلب دوستی دولت استعماری روسیه، مستشاران خود را از ارتش ایران فراخواند؛ از کمک به ایران خودداری کرد، و داوری سفیر خود را در پیمان صلح ایران و روسیه، به ضرر ایران، بر کشور ما تحمیل کرد.

جنگ هرات

شهر هرات دروازه‌ی هندوستان شمرده می‌شد، و در آن زمان جزء ایران بود. اما حکمران آن‌جا، کامران میرزا، با تحریک انگلیس‌ها علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده بود، و حتی گاهی به مناطق دیگر ایران دست‌اندازی می‌کرد.

پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، فتحعلی‌شاه برای جبران ناکامی‌های خود متوجه شرق ایران و بازپس‌گیری هرات شد. فتحعلی‌شاه، ولیعهد خود، عباس میرزا، را به سوی هرات روانه کرد. ولی او قبل از انجام مأموریت فوت کرد و فتحعلی‌شاه نیز پس از زمان کوتاهی درگذشت. روس‌ها نیز ایران را در حمله به هرات تشویق می‌کردند. زیرا از سویی با انگلستان رقابت داشتند، و به خطر افتادن مستعمره‌های انگلیس در هند را به مصلحت خود می‌دانستند، و از سوی دیگر، مشغول شدن ایران در جنگ هرات را مایه‌ی فراموشی ایالت‌های از دست رفته‌ی شمالی، توسط دولت ایران می‌دانستند.

پس از مرگ فتحعلی‌شاه، محمد میرزا (فرزند عباس میرزا) به پادشاهی رسید. محمدشاه پس از سرکوب مدعیان سلطنت، صدراعظم خوشنام و شایسته‌ی خود میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی را به قتل رساند. پس از آن که کامران میرزا حاکم هرات دوباره نافرمانی کرد، محمدشاه اقدام به محاصره‌ی هرات کرد.

انگلستان به کمک عاملان خود در دربار ایران، تلاش زیادی کرد که ایران را از حمله به هرات باز



محمدشاه قاجار

دارد. محمدشاه به تحریک‌ها و دخالت‌های آشکار «مک‌نیل» سفیر انگلیس، اعتراض کرد. در پی این اعتراض، مک‌نیل با اعلام قطع روابط ایران و انگلیس (۱۲۱۷ ش) از ایران خارج شد؛ و هشدار داد که در صورت خاتمه نیافتن محاصره‌ی هرات، جنگ بین انگلستان و ایران، آغاز خواهد شد.

انگلیسی‌ها سرانجام جزیره خارک را اشغال کردند و تهدید کردند که در صورت ادامه‌ی محاصره‌ی هرات، در خاک ایران پیشروی خواهند کرد. محمدشاه که توان رویارویی با انگلیسی‌ها را در خود نمی‌دید و از جانب روس‌ها هم، حمایت عملی دریافت نکرده بود. دست از محاصره‌ی هرات برداشت.

بیش‌تر بدانید

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (قائم مقام ثانی)

میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی وزیر عباس میرزا نایب السلطنه و صدراعظم محمدشاه، پسر میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از رجال بزرگ ادب و سیاست ایران است. وی مدتی وزارت عباس میرزا را بر عهده داشت و پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ ق، منصب قائم مقامی نیز به او اعطا شد. از این تاریخ به بعد، بیش‌تر اوقات همراه عباس میرزا بود. در آن مدت، فتحعلی‌شاه او را به وزارت و سرپرستی پسر خود فرخ میرزا نیرالدوله که حاکم همدان بود، منصوب کرد. میرزا ابوالقاسم که از اوایل دوره دوم جنگ‌های ایران و روس وارد دستگاه عباس میرزا شده بود، مخالف از سرگیری جنگ با روسیه بود. وی در ابتدای سلطنت محمدشاه به منصب صدارت منصوب شد. اما در حالی که در صدد انجام اصلاحات در مملکت بود، محمدشاه فرمان قتل او را در ماه صفر ۱۲۵۱ ق صادر کرد. منشآت از جمله آثار قائم مقام فراهانی است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا انگلیسی‌ها ایران را از محاصره و تصرف هرات باز داشتند؟

معاهده‌ی دوم ارزنة الروم^۱

دو کشور ایران و عثمانی، از دوره‌ی حکومت صفوی با یکدیگر اختلاف داشتند. دولت‌های استعمارگر نیز به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند. چون جنگ بین دو کشور مسلمان را، به نفع خویش می‌دانستند. در زمان قاجارها نیز، این اختلاف‌ها ادامه پیدا کرد. در دوره‌ی فتحعلی‌شاه، عباس میرزا به خاک عثمانی لشکر کشی کرد. اما با وجود پیشروی قابل توجه، این لشکر کشی برای ایران نتیجه‌ای به دنبال نداشت، و دو کشور، تن به سازش دادند.

در زمان حکومت محمد شاه، اختلاف‌های مرزی بین ایران و عثمانی افزایش یافت، و درگیری‌های پراکنده‌ای بین دو کشور روی داد. سرانجام در شهر ارزنة الروم مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عثمانی با حضور نمایندگان روسیه و انگلستان برای حل اختلاف‌ها انجام شد. نماینده‌ی ایران در این مذاکره‌ها میرزا تقی‌خان فراهانی امیر نظام بود که بعدها صدراعظم ناصرالدین شاه شد و به «امیر کبیر» مشهور گردید.

این مذاکره‌ها به عهدنامه‌ی دوم ارزنة الروم انجامید. به موجب این قرارداد، ایران از ادعاهای خود درباره‌ی بعضی مناطق، از جمله سلیمانیه، دست برداشت. در مقابل، دولت عثمانی، حاکمیت ایران بر خرمشهر و ساحل چپ اروندرود، نیز کشتی‌رانی در این رودخانه را، به رسمیت شناخت. علاوه بر آن، دولت عثمانی متعهد شد که از آزار و اذیت زائران ایرانی عتبات عالیات جلوگیری کند، و تسهیلات لازم را برای بازرگانان کشور ما در آن سرزمین، فراهم آورد.

۱- عهدنامه اول ارزنة الروم در سال ۱۲۰۲ ش بین نمایندگان ایران و عثمانی به امضاء رسید. با این حال به دلیل عدم تعیین دقیق مرزهای دو کشور، مدتی بعد مذاکرات دوباره آغاز و سرانجام به امضای معاهده‌ی دوم ارزنة الروم منجر شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مفاد عهدنامه‌ی گلستان چه بود؟
- ۲- چه عواملی موجب بروز دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد؟
- ۳- مفاد عهدنامه‌ی ترکمانچای چه بود؟
- ۴- براساس کاپیتولاسیون، اتباع دولت روسیه در ایران از چه حقی برخوردار شدند؟
- ۵- هرکدام از دو دولت فرانسه و ایران براساس معاهده‌ی فین‌کن‌اشتاین چه تعهداتی داشتند؟
- ۶- چرا روس‌ها ایران را به لشکرکشی به سوی هرات تشویق می‌کردند؟
- ۷- مفاد عهدنامه‌ی دوم ارزنة‌الروم چه بود؟

دوران ناصرالدین شاه

دوران ناصرالدین شاه، چهارمین پادشاه قاجار، که پنجاه سال به طول انجامید، موضوع این درس است. در این درس هم‌چنین با سه شخصیت بزرگ دوران معاصر، یعنی میرزای شیرازی، امیرکبیر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی آشنا خواهید شد.



ناصرالدین شاه

دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه با چند موضوع شناخته می‌شود:

۱- قتل صدراعظم دانشمند و ایران دوست، میرزاتقی خان امیرکبیر، به تحریک فاسدان و بدخواهانی که منافعشان به خطر افتاده بود.

۲- آشنایی تدریجی گروهی از ایرانیان با پیشرفت‌های اروپاییان.

۳- واگذاری امتیازات اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان؛ نظیر امتیاز رویترا، امتیاز لاتاری و امتیاز خرید و فروش تنباکو.

صدارت امیرکبیر

پس از مرگ محمدشاه، فرزند شانزده ساله‌اش، ناصرالدین میرزا، به سلطنت رسید. او امیرکبیر را به صدارت برگزید.

میرزاتقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از شخصیت‌های استقلال طلب و میهن دوست تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. او در دوران زندگی سیاسی خود، چه قبل از صدارت و چه در زمان

کوتاه صدارت، برای حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با دخالت بیگانگان، تلاش زیادی کرد. در روزگار او، سیاست داخلی و خارجی ایران به شدت تحت تأثیر دولت‌های بیگانه، به ویژه روسیه و انگلیس قرار داشت، و کار امیرکبیر در اتخاذ سیاست مستقل، بسیار دشوار و تحسین برانگیز بود.



میرزاتقی خان امیرکبیر

امیرکبیر از مردان بزرگ تاریخ ایران است. او با اراده‌ی استوار به اصلاح امور پرداخت و در مدت سه سال و سه ماه صدارت، اقدام‌های بزرگی انجام داد. که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- لغو لقب‌های طولانی و بی‌معنی، و اکتفا به کلمه‌ی جناب، حتی نسبت به مقام صدارت.

۲- منع رشوه‌خواری، و برقراری حقوق ثابت برای مأموران دولت.

۳- فرستادن شاگردانی به اروپا، برای کسب مهارت‌ها و دانش‌های جدید.

۴- استخدام معلمان و استادان خارجی، به ویژه از کشورهای غیر از انگلیس و روس.

۵- ترجمه‌ی کتاب، نشر روزنامه.

۶- تأسیس مدرسه‌ی عالی در تهران و ارائه‌ی طرح مدرسه‌ی دارالفنون؛ که پس از برکناری او شروع به کار کرد.

۷- جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران.



مدرسه‌ی دارالفنون

۸- دفع فتنه‌ی سالار^۱ در خراسان، و فرقه بابیه.

۹- تقویت ارتش ملی کشور.

۱۰- تلاش در جهت استقلال اقتصادی و توسعه‌ی صنعتی ایران.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف امیرکبیر از مقابله با دخالت نمایندگان دولت‌های خارجی در امور داخلی ایران چه بود؟

بیش‌تر بدانید

یکی از ترفندهای استعمار برای از بین بردن بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی کشورهای اسلامی، به‌وجود آوردن فرقه‌های منحرف مانند مسلک بابی در دوره‌ی محمدشاه و فرقه‌ی بهایی در دوره‌ی ناصری، در ایران بود. سید علی محمد باب، رهبر فرقه‌ی گمراه و منحرف بابیه، که ابتدا ادعای کرد باب، یعنی واسطه‌ی میان امام زمان (عج) و مردم است، در نهایت مدعی پیامبری و آوردن دین جدید شد. او پس از آن که در مجلس مناظره نتوانست از ادعاهای واهی خود دفاع کند، توسط علمای شیعه تکفیر گردید. وی در زمان ناصرالدین‌شاه در قلعه‌ی چهریق آذربایجان زندانی بود؛ و پس از سرکوب اغتشاش‌های بایبان در مازندران و زنجان، به دستور امیرکبیر، به اتفاق یکی از همراهانش، در میدان صاحب‌الزمان (عج) تبریز اعدام شد.^۲

واگذاری امتیازات به بیگانگان

کشورهای اروپایی که در اثر انقلاب صنعتی به رشد و شکوفایی اقتصادی رسیده بودند، به بازارهای مصرف و مواد اولیه ارزان قیمت نیاز داشتند. بنابراین، دولت‌های استعماری، روزه‌روز بر نفوذ خود در کشورهای دیگر می‌افزودند. دولت ایران، به ویژه از عهد ناصرالدین‌شاه، که با هزینه‌های سرسام‌آور خوش‌گذرانی‌ها و مسافرت‌های او به اروپا روبه‌رو بود، با واگذاری امتیازات به دولت‌های استعماری، سعی در تأمین این مخارج داشت. بنابراین دو دولت استعماری روس و انگلیس، ده‌ها امتیاز سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی در ایران برای خود کسب کردند.

۱- سالار؛ پسر آصف‌الدوله، والی خراسان در زمان محمدشاه قاجار بود، که علم شورش و تجزیه‌طلبی را در آن ایالت برافراشت. شورش او تا زمان ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. امیرکبیر با اعزام سپاهیان زیادی، سرانجام موفق به ختم غائله شد؛ و سالار و همراهانش به قتل رسیدند. (ن.ک. به: پینا، «تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران» هم‌چنین: سپهر، «ناسخ‌التواریخ»، ص ۱۷۱ به بعد.)
۲- آدمیت، امیرکبیر، ص ۴۴۹؛ خسروشاهی، اسناد و مدارک درباره بهائی‌گری، ج ۲، ص ۴۵ به بعد؛ شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی‌گری، ص ۱۳.



میرزاملکم خان

بی تردید افرادی که زیر نفوذ این دولت‌های استعماری بودند، در دادن این امتیازها نقشی چشمگیر داشتند. هم چنان که میرزا حسین خان سپهسالار و میرزاملکم خان، عاملان اصلی واگذاری امتیاز رویترو و امتیاز لاتاری به دولت استعماری انگلیس بودند.

از سوی دیگر، علمای دین که پناهگاه مردم در مبارزه با بیگانگان بودند، در ناکام گذاردن استعمارگران و عاملان آنان در رسیدن به هدف‌های شومشان، تأثیر بسیار داشتند.

در این جا به سه امتیاز استعماری رویترو، لاتاری و توتون و تنباکو اشاره می‌شود:

امتیاز رویترو

این امتیاز در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۵۰ ش. / ۱۸۷۲ م.) با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار و صدر اعظم وقت و همکاری میرزا ملکم خان به یک یهودی به نام بارون جولوس دو رویترو واگذار شد. به موجب قرارداد رویترو، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک‌ها و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویترو واگذار شد. در مقابل رویترو تنها مبلغ دو بیست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد.^۱

۱- بعداً معلوم شد که میرزا حسین خان سپهسالار ۵۰ هزار لیره، میرزا ملکم خان ۲۰ هزار لیره، معین‌الملک ۲۰ هزار لیره و مبالغی نیز اقبال‌الملک به عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از سوی انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۲۲-۳۴؛ اعتماد السلطنه، کتاب خلسه، ص ۸۶؛ بامداد، رجال ایران، ص ۴۰۷-۴۱۱؛ فرهاد معتمد، سپهسالار اعظم، ص ۱۷۰.

بیش‌تر بدانید

وقتی خبر اعطای این امتیاز منتشر شد، شگفتی و حیرت بسیاری را برانگیخت. به طوری که لرد کرزن یکی از مأموران امپراتوری انگلیس در هند و خاورمیانه، درباره‌ی این امتیاز نوشت: «عجیب‌ترین امتیازی که در طول تاریخ نظیر ندارد و به موجب آن، تمام منابع طبیعی کشوری به یک خارجی تسلیم گشته است».^۱

روس‌ها از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آن‌ها در پی داشت ناراضی بودند و به آن اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند. در داخل کشور نیز مخالفت‌های شدیدی با این امتیاز صورت گرفت؛ مجتهد بزرگ تهران، آیت‌الله حاج‌ملا علی کنی به شدت با قرارداد رویتر مخالفت کرد. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیاز شد. هم‌چنین میرزا حسین خان سپهسالار را از صدارت برکنار کرد.^۲ رویتر که امتیاز بزرگی را از دست داده بود به تلاش برای جبران این خسارت پرداخت و در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال، از شاه بگیرد.

امتیاز لاتاری

در سال ۱۲۶۷ ش. میرزا ملکم خان (معروف به ناظم‌الدوله) که خود را از روشنفکران مخالف استبداد و مدافع قانون می‌شمرد، ناصرالدین‌شاه را قانع کرد که امتیاز تأسیس قمارخانه (لاتاری) را، بدون ذکر نام صاحب امتیاز، به او واگذار کند. در آن امتیاز نامه شرط شده بود که میرزا ملکم خان بدون اجازه نهایی شاه آن را به کسی انتقال ندهد. اما او در ازای دریافت چهل هزار لیره، آن را به یک کمپانی انگلیسی واگذار کرد. پس از آشکار شدن امتیاز لاتاری، علمای دینی ایران با اعلام حرام بودن لاتاری به عنوان یک قمار، انگلیسی‌ها را در دست‌یابی به منافع آن ناکام گذاشتند.

شاه و دربار نیز وقتی متوجه سوء استفاده‌ی ملکم خان از این امتیاز شدند، از همان تاریخ او را از تصدی به کلیه مقام‌های مهم دولتی محروم کردند و سهام‌داران شرکت سرمایه‌گذاری، ملکم خان را به تقلب و کلاهبرداری متهم و از وی به مراجع قانونی شکایت کردند.

۱- کرزن، ایران و قضیه‌ی ایران، ص ۶۲۱-۶۴۴.

۲- اسناد وزارت خارجه، صندوق ۱۴؛ یکصد سند تاریخی، گزارش مشیرالدوله، ص ۲۱۰-۲۱۱.

بیش تر بدانید

میرزا ملک خان در سال ۱۲۳۷ ش. به پیروی از لژهای فراماسونری اروپایی، در ایران اقدام به تأسیس فراموش‌خانه (نوع ایرانی فراماسونری) کرد. او با استفاده از موقعیت تدریس در دارالفنون، عده‌ای از دانش‌آموزان آن مرکز را به عضویت فراموش‌خانه در آورد. ملک خان ایرانیان را فاقد شعور می‌دانست، و با عبارت‌هایی زننده و توهین‌آمیز از مردم ایران سخن می‌گفت. او معتقد بود که باید بدون هیچ دخل و تصرفی، در همه چیز از غرب تقلید کرد.^۱

نهیض تحریم تنباکو؛ نخستین حرکت مردمی فراگیر بر ضد استعمار

یکی از امتیازاتی که در دوره‌ی قاجار به دولت استعماری انگلیس واگذار شد، انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو^۲ در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال بود، که به یک انگلیسی به نام «تالبوت» داده شد. از این رو، این قرارداد به «قرارداد تالبوت» مشهور شده است؛ و از آن جا که نام شرکت او «رژئی» بود، این عهدنامه را رژئی نیز می‌نامند.

ناصرالدین شاه این امتیاز را برابر دریافت سالانه پانزده هزار لیره و $\frac{1}{4}$ سود سالانه، به تالبوت واگذار کرده بود. در حالی که دولت عثمانی، با وجودی که از محصول توتون و تنباکوی کمتری برخوردار بود، این امتیاز را برابر دریافت سالانه هفتصد هزار لیره، به یک کمپانی خارجی واگذار کرده بود.

مردم ایران که می‌دیدند محصول توتون و تنباکوی خود را باید به بهای کمی به بیگانه بفروشند و برای مصارف داخلی، دوباره آن را به قیمتی گزافی بخرند، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. این مخالفت، در شهرهایی مانند، تبریز، شیراز، اصفهان و تهران، به اوج خود رسید. عالمان دین، در شهرهای مختلف رهبری این نهیض را به دست گرفتند. آیت‌الله آقا نجفی اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز^۳، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی

۱- ن. ک. به: الگار، «ملک‌خان»، ص ۱۱۴-۱۲۰؛ تیموری، «عصر بی‌خبری»، ص ۱۹۱؛ مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ج ۱، ص ۳۸-۳۵؛ کتیرایی، «فراماسونری در ایران»، ص ۱۴۷-۱۴۰.

۲- باید توجه داشت که توتون و تنباکو، از کالاهای مهم بازرگانی آن دوران به حساب می‌آمد، و نقش زیادی در اقتصاد کشور بازی می‌کرد.

۳- در آن زمان، اهمیت محصول توتون و تنباکو در فارس بیش از نقاط دیگر ایران بوده است. سید علی اکبر فال اسیری، در شیراز، پس از تجمع مردم در مسجد وکیل، بر بالای منبر رفت و سخنانی آتشین علیه دولت و صاحب امتیاز آن بیان کرد. در پایان سخنرانی، شمشیری را از زیر عبا بیرون آورده و اظهار داشت: «موقع جهاد عمومی است. ای مردم، بکوشید! من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.» تیموری، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۶۹.



آیت‌الله میرزای شیرازی

و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در تهران و آیت‌الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی در تبریز، از جمله‌ی این روحانیون بودند. آنان خطر سلطه‌ی استعمار انگلیس را به مردم گوشزد کردند. در این میان، شیخ فضل‌الله نوری، به عنوان نماینده‌ی میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان، در ایران عمل می‌کرد و نقش اساسی در گرفتن فتوای تحریم تنباکو از مرجعیت بزرگ شیعه داشت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز به مخالفت با این قرارداد برخاست، او در این باره، نامه‌ای به آیت‌الله میرزای شیرازی که در سامرا بود، نوشت. سرانجام حکم تاریخی این مجتهد بزرگ و صاحب

نفوذ صادر شد، و نهضتی بزرگ در سراسر ایران پدید آورد که حتی به درون دربار شاه نیز نفوذ کرد.^۱ نهضت تحریم تنباکو، نمونه‌ای از دفاع روحانیت از حقوق مردم در مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، که آثار و پیامدهای مهمی بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر گذاشت.

حکم مذکور چنین بود :

«بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم، استعمال تنباکو و توتون بایّ نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه است.^۲

حررة الاحقر، محمدحسن الحسيني.»

۱- کربلایی، شیخ حسن، تاریخ دخانیه، ص ۶۲-۶۵، ۱۰۴-۱۰۸، ۱۲۰ و ۱۳۶؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱،

ص ۴۴-۴۶.

۲- ترجمه‌ی این حکم چنین است: امروز استعمال تنباکو و توتون به هر شکلی در حکم دشمنی و ستیز با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه

است.

بیش‌تر بدانید

خودداری زنان دربار از استعمال تنباکو

اعتمادالسلطنه یکی از شخصیت‌های مشهور زمان سلطنت ناصرالدین شاه است. یکی از آثار اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اوست. او در روزنامه‌ی خاطرات نوشته است:

«طوری مسأله تنباکو مهم است که حتی اندرون شاه، به هیچ‌وجه قلیان نمی‌کشند. شنیدم شاه به زنان خودش فرموده بود: «چه کسی قلیان را حرام کرده؟ بکشید...» یکی از خانم‌ها عرض کرد: «همان کسی که ماها را به شما حلال کرده.» شاه فرمود: «من می‌کشم؛ شما هم بکشید!» یکی از آنان گفت: «تکلیف مردم این نیست که تقلید شما را بکنند.»^۱

هم‌گرایی مسیحیان و یهودیان ایران در حمایت از تحریم تنباکو

بنا به روایت رساله دخانیه، حکم میرزای شیرازی در همان نیم‌روز اول تا صد هزار نسخه رسید و مایه‌ی شگفتی ایرانیان و اعجاب خارجیان شد. حتی بانوان و نوکران ناصرالدین شاه از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کردند، به طوری که هیچ‌کس را یارای آن نبود که در خیابان به معامله یا مصرف تنباکو مشغول شود. تا جایی که مسیحیان و یهودیان هم تحریم شرعی را رعایت می‌کردند.^۲

برگی از تاریخ

سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۱۷-۱۲۷۵ ش.)



محمدبن سیدصفدر، معروف به «سیدجمال» اندیشمند و سخنور بزرگ انقلابی، و از رهبران ضد استعماری ملت‌های مسلمان در عهد قاجار بود. وی در سال ۱۲۱۷ ش. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. هرچند سیدجمال ایرانی و شیعه است، ولی درباره‌ی ملیت و مذهب او، برخی عقیده‌ای دیگر دارند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، از آن‌جا که از بنیانگذاران وحدت ملت‌های اسلامی بود، عمداً ملیت ایرانی و مذهب تشیع خود را مخفی نگاه می‌داشت. سیدجمال حافظه‌ای نیرومند داشت؛ و از فلسفه،

۱- اعتمادالسلطنه، «روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه»، ص ۸۹۳.

۲- هیدجی، رساله دخانیه، ص ۵۲-۵۳.

نجوم، علوم دینی و دانش‌های زمان خود بهره‌های فراوان برد. او مسافرت‌های زیادی به شرق و غرب عالم کرد؛ و در سراسر عمر، با استبداد و استعمار در مبارزه بود. درباریس مجله‌ی «العروة الوثقی» را انتشار داد و در آن، به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. و به همین دلیل با فشار انگلیسی‌ها، دولت فرانسه که مدعی دفاع از آزادی عقیده و مطبوعات آزاد بود مجله او را توقیف کرد!

در قاهره، استانبول، هند و افغانستان، با سخنرانی‌های آتشین خود، افکار آزادی خواهی را در بین مردم مسلمان پراکنده ساخت.

تأثیر سخنان او موجب ترور ناصرالدین شاه، پادشاه خودکامه‌ی قاجار، توسط میرزا رضا کرمانی شد.

سیدجمال در لندن روزنامه‌ی «ضیاء الخائفین» را به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر کرد. اما از سوی دولتمردان انگلیسی مورد تعقیب قرار گرفت، تا آن که مجبور به ترک خاک اروپا شد. او عاقبت در سال ۱۲۷۵ ش. به طور مشکوکی فوت کرد.

صدور این حکم سبب شد که شاه ناجار به تسلیم گردد؛ و ابتدا امتیاز داخلی دخانیات و سپس امتیاز خارجی آن، لغو شد. میرزای شیرازی، تا زمانی که به وسیله شیخ فضل‌الله نوری از لغو قرارداد تنباکو مطمئن نشد، تحریم تنباکو را لغو نکرد.^۱

این پیروزی بزرگ به رهبری روحانیون، سبب شد که ضربه‌ای سخت به استعمارگران و عاملان داخلی آنان وارد آید؛ و مردم باور کنند که توانایی ایستادگی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی را دارند. بسیاری از تاریخ‌نویسان، این قیام را سرآغاز بیداری ایرانیان و طلیعه‌ی نهضت مشروطه دانسته‌اند.^۲

نهضت تحریم تنباکو، در شرایطی باورنکردنی به بار نشست. آن زمان، اوج اقتدار امپراتوری انگلیس بود؛ گستردگی این امپراتوری به اندازه‌ای بود که ملکه‌ی انگلستان ادعا می‌کرد که در قلمرو کشورش، آفتاب هرگز غروب نمی‌کند. در واقع در این نهضت، مردم ایران توانستند برای نخستین بار، در برابر مقتدرترین دولت عالم، در آن زمان، ایستادگی کنند، و آن را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند.^۳

۱- حسین زاده، «شیخ فضل‌الله نوری در ظلمت مشروطه»، ص ۲۳۹.

۲- ناظم الاسلام کرمانی، کتاب خود، «تاریخ بیداری ایرانیان»، را با شرح این واقعه آغاز کرده است.

۳- درباره‌ی نهضت تحریم تنباکو، نسخه‌ای خطی با عنوان: «رساله‌ی دخانیه و اجازه‌ی کمپانی و تلگرافات» از شیخ حسن کرلایی برجا مانده است. هم‌چنین رساله دیگری به همین نام، تألیف حکیم حاج محمدعلی هیدجی به کوشش علی اکبر ولایتی در این باره منتشر شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- امیرکبیر در دوره‌ی صدارت خود چه اصلاحات و اقداماتی انجام داد؟
- ۲- چرا کشورهای اروپایی در دیگر کشورها نفوذ می‌کردند؟
- ۳- براساس قراردادی که با روتر بسته شد، چه امتیازاتی به این شخص داده شد؟
- ۴- در داخل و خارج از ایران چه مخالفت‌هایی علیه امتیاز روتر ایجاد شد؟
- ۵- امتیاز توتون و تنباکو با چه شرایطی به تالبوت واگذار شد؟ آن را با امتیازی که دولت عثمانی به یک شرکت خارجی واگذار کرده بود، مقایسه کنید.
- ۶- چه کسی فتوای تحریم توتون و تنباکو را صادر کرد و این فتوا چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- مطلبی درباره‌ی نقش درباریان و عوامل بیگانه نقش اصلی در بدبینی ناصرالدین شاه نسبت به امیرکبیر تهیه کنید.
- ۲- در مورد «خودکامه بودن» ناصرالدین شاه و تأثیر آن در جلوگیری از انجام اصلاحات در ایران، مطلبی تهیه کنید.
- ۳- در مورد یکی از مدارس که در زمان ناصرالدین شاه به شیوه‌ی جدید ایجاد شد، مطلبی تهیه کنید.